Journal Future Studies of the Islamic Revolution

3

Vol. 7
Autumn 2026

A Prospective Study of the Duality of Traditional and Post-Traditional Religiosity in Iranian Society: A Case Study in Tehran

Javad Nasiri Avanaki[*1] | Hojatollah Darvishpur[2] | Mojtaba Maghsoudi[3]

Research Paper

Received:
27 October 2025
Revised:
23 January 2026
Accepted:
09 September 2026
Published:
23 September 2026
P.P: 33-62

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285

Abstract

Religiosity in contemporary Iranian society, influenced by the rapid cultural and social transformations of recent decades, is undergoing a transition from traditional patterns toward new forms of experience. The present research, focusing on the two prevalent types of traditional religiosity (reliant on institutions, Sharia, and collective rituals) and new-discourse religiosity (reliant on personalized experience and selective choice), studies this transformation in the city of Tehran.

The aim of this study is not only to quantitatively measure the share of each of these two types but also to analyze existing trends and outline their future prospects. This research was conducted using a futures studies approach and employed combined methods of library research, theoretical analysis, and field survey. Quantitative data were collected through a researcher-made questionnaire from 405 residents aged 18 and above in Tehran and analyzed using SPSS software. The findings indicate that the inclination towards new-discourse religiosity is approximately twice that of traditional religiosity. The present study concludes that Iranian society is on the verge of a profound rearrangement in the role and social standing of religion.

This transformation is not merely a statistical change but rather a prelude to the formation of various future scenarios. Accordingly, three probable scenarios have been outlined: 1) the continuation of the current trend and polarization, 2) the intensification of tensions, or 3) institutional adaptation and the reconstruction of the official religious discourse. It is suggested that the governance structure, by accepting the reality of these transformations, should provide the grounds for critical dialogue, revision in religious education, and diversification of models of religiosity so that, instead of confrontation, it can contribute to the constructive management of this historical transition.

Keywords: Religiosity, Religious Experience, Traditional Religiosity, Post-Traditional Religiosity, Future Research

1. Corresponding Author: PhD Candidate, Department of Political Science, Tehran Central Branch, Islamic Azad University,Tehran, Iran. Email: nasiri.iqna@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Professor, Department of Political Science, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Nasiri Avanaki, J & Darvishpur, H & Maghsoudi, M (2026). A Prospective Study of the Duality of Traditional and Post-Traditional Religiosity in Iranian Society: A Case Study in Tehran. *Future Studies of the Islamic Revolution*, *3*(7), 33-62.

Doi: https://doi.org/10.47176/fsir.2026.1412

Publisher: Imam Hussein University

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License(CC BY 4.0)

OPEN ACCESS

نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی

آینده پژوهی دوگانه دینداری سنتی و نوگفتمان در جامعه ایران (مطالعه موردی در شهر تهران)

جواد نصیری اوانکی[1*] | حجت الله درویش پور[2] | مجتبی مقصودی[3]

۳
دوره هفتم
پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱
صص: ۶۲-۳۳

شاپا چاپی: ۴۵۲۸-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۰۷۲

چکیده

دینداری در جامعه امروز ایران، متأثر از تحولات پرشتاب فرهنگی و اجتماعی دهه‌های اخیر، در حال گذار از الگوهای سنتی به سوی اشکال جدیدی از تجربه است. پژوهش حاضر با تمرکز بر دو گونه دینداری سنتی (متکی به نهادها، شریعت و مناسک جمعی) و دینداری نوگفتمان (متکی بر تجربه شخصی‌شده و انتخاب گزینشی)، به مطالعه این تحول در شهر تهران می‌پردازد. هدف این پژوهش، نه تنها سنجش کمّی سهم هر یک از این دو گونه، بلکه تحلیل روندهای موجود و ترسیم چشم‌اندازهای آینده آن است. این تحقیق با رویکرد آینده‌پژوهانه و با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل مبانی نظری و پیمایش میدانی انجام شده است. داده‌های کمّی از طریق پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته از ۴۰۵ نفر از ساکنان بالای ۱۸ سال شهر تهران گردآوری و با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش به دینداری نوگفتمان تقریباً دو برابر گرایش به دینداری سنتی است. پژوهش حاضر نتیجه می‌گیرد که جامعه ایران در آستانه یک بازآرایی عمیق در نقش و جایگاه اجتماعی دین قرار دارد. این تحول، صرفاً یک تغییر آماری نیست، بلکه پیش‌درآمد شکل‌گیری سناریوهای مختلف برای آینده است. بر این اساس، سه سناریوی محتمل ترسیم شده است: تداوم روند فعلی و قطبی‌شدن، تشدید تنش‌ها، یا تطبیق نهادی و بازسازی گفتمان رسمی دین. پیشنهاد می‌شود حاکمیت با پذیرش واقعیت این تحولات، زمینه‌های گفت‌وگوی انتقادی، بازنگری در آموزش دینی و تنوع‌بخشی به الگوهای دینداری را فراهم آورد تا بتواند به جای مقابله، به مدیریت سازنده این گذار تاریخی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: دین، دینداری، تجربه دینی، دینداری سنتی، دینداری نوگفتمان، آینده‌پژوهی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تخصصی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: nasiri.iqna@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

استناد: نصیری اوانکی، جواد و درویش‌پور، حجت‌الله و مقصودی، مجتبی (۱۴۰۵). آینده پژوهی دوگانه دینداری سنتی و نوگفتمان در جامعه ایران (مطالعه موردی در شهر تهران). **نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی**، ۳(۷)، ۶۲-۳۳.
Doi: https://doi.org/10.47176/fsir.2026.1412

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

© نویسنده(گان) حق تکثیر و کلیه حقوق انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی(Creative Commons License- CC BY)در دسترس شما قرار گرفته است.

OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

حضور و نقش مهم و اثرگذار دین در تمدن چندهزار ساله ایران از دیرباز تاکنون قابل مشاهده و بررسی است؛ دین و دینداری آحاد جامعه ایران در دوران پس از ورود اسلام در مواجه با انواع حکومت‌ها، حمله‌های خارجی و در دهه‌های گذشته با ورود مدرنیته از غرب، فراز و فرودهای فراوانی را به خود دیده است. در انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز روندی را مشاهده می‌کنیم که روحانیون و روشنفکران دینی فعال در این انقلاب، تلاش کردند تا نظام اعتقادی اسلام و خصوصاً مذهب تشیع را هر چه پررنگ‌تر در جنبه‌های گوناگون زندگی، اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی در روابط خصوصی زندگی مردم، اشاعه دهند و با بیان این‌که استفاده از این دستورات و اصول زندگی، در دنیا و آخرت سعادت‌مندی را برای آن‌ها به بار خواهد آورد، تمایل به پیروی از این دستورات را فزونی بخشیدند.

به نظر می‌رسید با اوج‌گیری این وضعیت، دین جایگاه مهمی را همیشه در زندگی مردم در ایران به همراه خواهد داشت و این امر در دهه‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی نیز تاحد زیادی قابل مشاهده است. لیکن پس از ورود به دهه سوم حیات جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، تحولات در نظام دینی و اعتقادی پیروان (اعم از میزان پایبندی) و نوع نگرش به دین خود را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که پس از ورود به دهه چهارم، وضعیت نظام اعتقادی در ایران، تحولات شگرفی را می‌بیند که از جمله، شکل‌های گوناگون دیگراعتقادی که البته کماکان نشأت گرفته از نظام اعتقادی اسلامی است، نمایان می‌شود؛ در این وضعیت، شاید مانند بسیاری از جوامع، دین‌های نوظهور با ریشه‌های متفاوت در ایران دیده نشود، لیکن در تبیین و استفاده از نظام اعتقادی اسلامی از سوی پیروان، تحولاتی رخ می‌دهد و افراد، دست به خوانش جدیدی از این نظام اعتقادی می‌زنند و همین باعث شکل‌گیری نوعی نسبی‌گرایی، انتخاب گزینشی و ... از این نظام اعتقادی در جامعه می‌گردد. این تحولات، تنها یک تغییر در نرخ‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده ظهور یک دوگانگی بنیادین در الگوهای دینداری است که می‌تواند مسیر آینده حیات دینی و اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

این امر، محققان را به تلاش فکری و علمی به منظور شناسایی دلایل و علل این تغییر، تشویق می‌کند و تأثیرات اعتقاد به انواع دینداری، در عمل بر دیگر ساحت‌های اجتماعی و جامعه، سوالی برای کنکاش و بررسی محققانه می‌شود. با این حال، درک عمیق این تحولات مستلزم فراتر رفتن از تحلیل‌های مقطعی و اتخاذ یک رویکرد آینده‌پژوهانه است. پرسش اینجاست که این دوگانگی در حال شکل‌گیری، چه روندهایی را نمایان می‌سازد و چه آینده‌های محتملی را برای مناسبات دین، فرهنگ و سیاست در ایران پیش‌روی ما قرار می‌دهد؟

سؤالات اصلی تحقیق حاضر در دو سطح طراحی شده است:

۱. سطح سنجش و توصیف (مبتنی بر پیمایش): سهم گرایش به هر یک از دو رویکرد اصلی دینداری سنتی (با تأکید بر پایبندی به شریعت و مناسک جمعی) و دینداری نوگفتمان (با محوریت تجربه شخصی و انتخاب گزینشی) در جامعه امروز ایران، به ویژه در کلان‌شهر تهران به عنوان پیش‌قراول تحولات، به چه میزان است؟

۲. سطح تحلیل و آینده‌نگری (مبتنی بر چارچوب نظری): این دوگانگی مشاهده‌شده، چه روندهای کلانی (همچون فردی‌شدن، افول نهادهای سنتی، تغییر در سلیقه دینی) را آشکار می‌سازد و بر اساس این روندها، سناریوهای محتمل برای آینده تعامل دین و جامعه در ایران کدام‌اند؟

بر اساس شواهد اولیه و ادبیات موضوع، فرض بر این است که گرایش به الگوی دینداری نوگفتمان، به طور معناداری از گرایش به الگوی سنتی پیشی گرفته است. این امر نه تنها یک تغییر کمّی، که نشان‌دهنده تحولی کیفی در نقش و جایگاه دین در زندگی ایرانیان است. نتایج این پژوهش می‌تواند با ارائه تحلیلی آینده‌نگر، به شناسایی نقطه‌عطف‌های سیاستی و مدیریت هوشمندانه این تحول بنیادین کمک نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در تبیین موضـــوع حاضـــر و برای درک بهتر مســـائل، در این بخش برخی تعاریف و نوع نگاه پژوهشگران نسبت به دین و دینداری مطرح می‌شود و در ادامه، تغییرات بوجود آمده در میزان و نوع دینداری ایرانیان بر اساس پیمایش انجام شده در سطح شهر تهران مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به مبانی مفهومی دین، ضـــروری اســـت چارچوب نظری آینده‌پژوهی که نگرش حاکم بر این تحقیق اســـت، تبیین گردد. در مطالعه تحولات دینی، این رویکرد کمک می‌کند تا تغییرات در دینداری صرفاً به عنوان یک وضعیت آماری توصیف نشود، بلکه به عنوان فرآیندی پویا که آینده‌های گوناگونی را پیش روی جامعه می‌گذارد، تحلیل گردد (بلی ۱۳۹۸). نیروهای محرک تغییر در حوزه دین می‌توانند شـامل عوامل کلان (جهانی‌شـدن، توسـعه فناوری‌های ارتباطی)، عوامل میانی (سـیاسـت‌گذاری‌های فرهنگی-دینی، عملکرد نهادهای مذهبی) و عوامل خُرد (تغییر در سـبک زندگی، فردی‌شـدن باورها) باشـند. این مقاله با الهام از رویکرد «سـناریوسـازی بر پایه تحلیل روندها» (رایج‌ترین روش در آینده‌پژوهی اجتماعی)، وضـعیت حاضـر دینداری در تهران را به عنوان داده‌ای برای پیش‌بینی الگوهای آینده در نظر می‌گیرد (زارعی و همکاران ۱۴۰۰).

نگاه به دین در جامعه سنتی و مدرن

براساس نگاهی که در جامعه سنتی وجود دارد، انسان‌ها معمولاً با دین والدین‌شان زاده می‌شوند و با همان دین، دنیا را ترک می‌کنند. باورها و اعمال دینی نیز به این طریق از نسـلی به نسـل دیگر منتقل می‌شـوند و بدون تغییر، باقی می‌مانند. در واقع، بیش از آنکه دینداری، امری پیش‌اندیشـیده و حاصـل کنش‌های انتخابی فرد باشـد، نتیجه شـرایط خانوادگی و اجتماعی فرد اسـت. در این تعریف، اکثر قریب به اتفاق علمای اسـلام، «دین» را مجموعهٔ عقاید، اخلاقیات و احکامی تعریف نموده‌اند که خداوند توسط پیامبرانش برای هدایت بشر فرستاده است. این مدل سنتی از تعریف دین که امروزه در عرف علمای اسـلام، رایج و تا اعصـار بسـیار دوری قابل ردیابی اسـت، در دین سـه عنصـر یا سـه بُعد اصلی را از همدیگر تمییز می‌دهد: «عقاید»، «اخلاق» و «احکام» (مصباح یزدی ۱۳۷۶ و ۱۳۸۱).

علامه طباطبایی، دینِ الهی را مجموعه عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی می‌داند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشـــر آورده‌اند. علامه طباطبایی (۱۳۶۲) نیز دین را به سه بخش عمده تقسیم نموده است: اعتقادات، اخلاقیات و اعمال (همان).

به‌طور کلی «دین» از نظر علامه طباطبایی نظامی منســـجم از اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی اسـت. وظایف عملی دین، دارای دو جنبهٔ فردی و اجتماعی است. می‌توان استنباط نمود که از نظر علامه طباطبایی، دین عبارت اســـت از مجموعه‌ای از شـــناخت‌ها و الگوهایی برای عاطفه (احساسات) و دستوراتی برای عمل (احکام) که در این میان نقش شناخت‌ها (یا اعتقادات) اصلی‌تر به‌نظر می‌رسد: دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی و یک سلسله معارف عملی تابع آن که روی هم رفته از اعتقادات تشکیل می‌شود (۱۳۶۳، جلد دوم).

مطهری (۱۳۷۵) نیز دین را مجموعهٔ تعلیماتی می‌داند که خداوند به‌وسیلهٔ اولیائش بر بشر عرضه داشته است. ایشان نیز همانند سایر علمای شیعه، این تعلیمات را سه بخش می‌داند:

الف) بخش عقاید یعنی مسائل و معارفی که باید آن‌ها را شناخت و بدان معتقد بود و ایمان آورد؛ مانند: مسأله توحید و ... .

ب) بخش اخلاق یعنی مسائل و دستورهایی که درباره چگونه بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است، از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، صداقت، امانت و غیره.

ج) بخش احکام یعنی مسایل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی و چگونه باید انجام شود، از قبیل: نماز، روزه، حج، نکاح و ... (مطهری ۱۳۵۹).

این الگوی منســـجم، تکلیف‌محور و موروثی که بر ثبات و ســـاختار تأکید دارد، نقطه عزیمت نظری این پژوهش برای فهم «دینداری ســـنتی» اســـت. با این حال، نظریه‌های جامعه‌شـــناختی تحول، به‌ویژه در بســـتر مدرنیته، تبیین می‌کنند که چگونه این مدل پایدار تحت تأثیر نیروهای کلانی چون فردگرایی (Individualization) و بازاندیشی در سنت‌ها (Reflexivity) دچار دگرگونی می‌شود. این تحول، صـــرفاً یک تغییر در باورها نیســـت، بلکه یک «جابجایی پارادایمی» از دینداریِ مبتنی بر «تعلق جمعی و انتســـابی» به دینداری مبتنی بر «گزینش فردی و معناجویانه» اســـت (گیدنز ۱۳۸۷؛ اینگلهارت ۱۳۹۸). در نتیجه، اگرچه ابعاد سه‌گانه (عقاید، اخلاق، احکام) به عنوان چارچوب مفهومی باقی می‌مانند، اما وزن، اولویت و نحوه تفسیر آن‌ها در زیست جهان فرد مدرن متحول می‌گردد.

افزون بر این، برای تبیین گذار از دینداری سنتی به نوگفتمان‌های جدید، بهره‌گیری از نظریه «دین نامرئی» توماس لاکمن حائز اهمیت است. لاکمن استدلال می‌کند که در دنیای مدرن، دین نهادینه و رسمی که بر اطاعت از دکترین‌های ثابت استوار است، رو به افول می‌گذارد؛ اما این به معنای پایان دین نیست. در مقابل، دین به حوزه خصوصی نقل مکان کرده و شکلی «شخصی‌شده» و «گزینش‌گرانه» می‌یابد. در این مدل، فرد مؤمن همچون یک «مصرف‌کننده معنا»، اجزای مختلف دینی را بر اساس نیازهای روانی و اجتماعی خود ترکیب می‌کند (لاکمن ۱۳۸۸). این نظریه برای تبیین وضعیت «نوگفتمان» در این پژوهش نیز معنادار است؛ وضعیتی که در آن کنشگران، ممکن است لزوماً نهادهای سنتی را نپذیرند، اما نوعی معنویت‌گرایی فردی و سیال را جایگزین آن کرده‌اند که با قرائت‌های رسمی تفاوت ماهوی دارد.

محمد اقبال لاهوری شاید نخستین کسی باشد که اصطلاح «تجربهٔ دینی» را وارد گفتمان دینی مسلمانان نموده و بر این اساس مدلی غیرسنتی از تعریف دین عرضه نمود. وی در دین سه عنصر اصلی را تمییز می‌دهد: تجربهٔ دینی، معرفت دینی، حرکت دینی؛ و می‌کوشد تا در پرتو خردِ علم‌محور جدید، درکی نوین از این عناصر اصلی به دست دهد (نراقی ۱۳۷۸).

اصطلاح «تجربه دینی» در گفتمان دینی جدید، مضمون اساسی رهیافتی است که به دین به منزلهٔ معرفتی که محصول نوعی تجربه است، می‌نگرد. معمولاً مراد از تجربه دینی، تجربه‌ای است که از طریق آن خدا یا امر قدسی خود را بر شخص صاحب تجربه منکشف می‌کند. تجربه دینی در ساده‌ترین معنایش عبارت است از ارتباط خداوند با انسان یا به بیان عام‌تر مواجهه انسان با امر قدسی. اقبال لاهوری مقصود خود را از تجربه دینی اینگونه بیان می‌کند: تجربه دینی در اصل حالتی از احساس است که جنبهٔ شناختی دارد، با مضمونی که جز در قالب یک گزاره نمی‌توان برای دیگران بیان کرد (عباسی ۱۳۷۶).

عبدالکریم سروش (۱۳۵۹) نیز به مانند اقبال لاهوری، تجربه دینی را جوهر دین دانسته است: مذهب در گوهر و اساس چیزی جز تجربه مذهبی، احساس عرفانی و تفسیر عرفانی از این عالم نیست. البته دکتر سروش اعتقاد دارد که «ادیان» به عنوان واقعیاتی موجود در تاریخ و جهان امروز، گوهر و ذات مشترکی ندارند.

لذا، نمی‌توان تعریفی واحد برای «دین» ارائه داد: ادیان، افراد یک کلی به‌نام دین نیستند و بیش از آن که اشتراک در ماهیت داشته باشند با یکدیگر به قول ویتگنشتاین شباهت خانوادگی دارند (1378).

احمد نراقی نیز در کتاب «رسالهٔ دین شناخت» مدلی دین‌شناسانه برای تحلیل ادیان ابراهیمی ارائه داده است. در این مدل، مقصود از دین عمدتاً سنت ادیان توحیدی یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت بوده که فرض وجود خدایی متشخص که می‌تواند با انسان (پیامبر) رابطه‌ای شخصی برقرار کند، در آن‌ها مستتر است. در این ادیان، می‌توان سه رکن اصلی را از یکدیگر تفکیک نمود: «تجربه دینی»، «نظام اعتقادات دینی» و «عمل یا سلوک دینی».

تجربه دینی بنیان اصلی دین تلقی می‌شود و می‌تواند به شکل‌گیری پاره‌ای از اعتقادات اساسی شخص مؤمن بینجامد. بنابراین تجربهٔ دینی به یک معنا موجد نظام اعتقادات دینی (یا دست‌کم اعتقادات اساسی آن) خواهد بود. البته نظام اعتقادات دینی نیز به‌نوبهٔ خود در فهم و تعبیر تجربه‌های دینی نقش اساسی ایفا می‌کند. از سوی دیگر نظام اعتقادات دینی نیز به نحوی بنیان عمل یا سلوک دینی واقع می‌شود. در واقع فقه و اخلاق نظریه‌های سلوک دینی به‌شمار می‌روند و عمل دینداران را بسامان می‌کنند. غایت سلوک دینی نیز نیل به ساحت تجربه‌های دینی است (نراقی ۱۳۷۸).

رویکردهای متفاوت نسبت به دین

نراقی پس از تتبعی در آراء متفکران مسلمان و تأکیدی که آنان به هر یک از ابعاد و ارکان دین (اسلام) داشته‌اند، مدعی شد که دست‌کم می‌توان دو نوع مدل دین‌شناسانه یا دینداری‌شناسانه مهم را که مبتنی بر دو رویکرد متفاوت به دین- یا تأکید بیشتر بر ابعاد خاصی از دین- بوده از یکدیگر متمایز نمود.

مدل‌های مبتنی بر رویکرد فقهی یا هویت‌گرا (دینداری با تکیهٔ بیشتر بر اعتقادات و اعمال دینی)

رویکرد فقهی به دین بر مبنای یک دغدغه مهم شکل می‌گیرد: «دغدغهٔ تمییز»، یعنی تلاش برای بدست دادن ضوابط و معیارهای قابل تشخیص و تحقیق‌پذیری که بتوان بر مبنای آن‌ها فرد یا جامعهٔ دیندار را از فرد یا جامعهٔ غیردیندار تمایز بخشید. دغدغه تمییز، دغدغه‌ای اساساً عملی است.

یعنی در پی آن اســـت که عملاً میان دینداران و غیردینداران تمایز نهد. بنابراین، معیارهایی که بر مبنای این دغدغه عرضه می‌شود باید کاملاً قابل تشخیص، تحقیق‌پذیر و قابل اطلاق باشد.

از این رو، کارآیی معیارهای تمییز در گرو قابل تشـــخیص یا تحقیق‌پذیر بودن آن‌هاســـت. اما شرط تشخّص یا تحقیق‌پذیری این معیارها این است که بر امور باطنی مبتنی نباشند. منظور از امور باطنی اموری است که در قلمرو فردیت درونی شخص رخ می‌دهد و تحقیق آن‌ها برای دیگران یا اساساً ممکن نیست یا فقط به واسطه امور ظاهری ممکن است. اگر معیار تمییز متضمن امور باطنی باشد، بکار عمل نمی‌آید یا باید برای کارآمدکردن آن به امور ظاهری تحویل گردد.

مدل‌های مبتنی بر رویکرد عرفانی یا حقیقت‌گرا (دینداری با تکیهٔ بیشتر بر تجربه و احساس مذهبی)

به‌طور کلی می‌توان مجموعهٔ مدل‌های دین‌شـــناســـانی را که مبتنی بر «تجربه دینی» اســـت، مدل‌های مبتنی بر رویکرد عرفانی به‌شمار آورد. در رویکرد عرفانی دغدغه اصلی، نیل به حقیقت یا مواجهه با امر قدسی است و این مطلوب، در ضمن تجربه دینی حاصل می‌شود.

مطابق مدل‌های مبتنی بر رویکرد عرفانی، در میان اجزای ســه‌گانه دین (تجربه دینی، اعتقادات دینی و اعمال و مناسک دینی)، تجربه دینی رکن اساسی به شمار می‌رود و سایر اجزای دین در نسبت به آن تعریف می‌شود. تجربه دینی عبارت است از تجربه انکشاف خداوند بر شخص صاحب تجربه. تجربه دینی، شخصی است یعنی موضوع تجربه بر شخص تجربه‌گر مکشوف می‌شود و در قلمرو وجودی وی تعیّن می‌پذیرد. بنابراین، اصل تجربه از دسترس دیگران خارج است و مستقیماً مورد داوری غیر قرار نمی‌گیرد (نراقی ۱۳۷۸).

در مجموع این دوگانگی نظری (فقهی/ هویت‌گرا در مقابل عرفانی/ حقیقت‌گرا) چارچوب مفهومی مناســبی برای تحلیل روند فعلی و ســناریوهای آینده ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که می‌توان «دینداری نوگفتمان» را عمدتاً در امتداد مدل عرفانی- حقیقت‌گرا و در بســتر فردی‌شــدن تجربه دینی تفسیر کرد.

اهمیت این دوگانه‌سازی نظری توسط نراقی برای این پژوهش، فراتر از یک طبقه‌بندی صرف است. این چارچوب، ابزاری تحلیلی برای فهم «دینامیک تحولات دینداری» در جامعه ایران فراهم می‌آورد.

به عبارت دیگر، این دو رویکرد، دو قطب یک طیف را نمایندگی می‌کنند و تحولات دینداری در جامعه معاصر ایران را می‌توان به مثابه یک «حرکت» یا «گذار» از رویکرد فقهی-هویت‌گرا به سمت گسترش رویکرد عرفانی-حقیقت‌گرا تحلیل کرد. این همان فرآیندی است که جامعه‌شناسان ایرانی از آن با عناوینی چون گذار از «دینداری ساختاریافته» به «دینداری عاملانه» و سیال (فراستخواه ۱۳۹۸) یا شکل‌گیری «دینداری سازگار» با مقتضیات زندگی مدرن (آزاد ارمکی ۱۳۹۰) یاد می‌کنند و نظریه‌ای برای تبیین چرایی و چگونگی ظهور «نوگفتمان‌های دینی» به دست می‌دهد.

در بستر خاص جامعه ایران، تحولات دینداری هم‌پیوندی عمیقی با «تغییرات ارزشی بین‌نسلی» دارد. پژوهشگران ایرانی نظیر کاظمی‌پور (۱۳۸۷) از وقوع یک «انقلاب آرام» در ارزش‌ها سخن گفته‌اند که طی آن، نسل‌های جدیدتر ضمن حفظ هسته باورهای دینی، در لایه‌های مناسکی و شرعی دچار تغییرات جدی شده‌اند. همچنین سراج‌زاده (۱۳۸۴) در تحلیل‌های خود نشان می‌دهد که مدل دینداری در ایران از حالت «تکلیفی و تقلیدی» به سمت مدلی «ترکیبی و عقلانی» در حال حرکت است. این نظریات بومی نشان می‌دهند که دوگانه «سنتی-نوگفتمان» در این پژوهش، یک دوگانه انتزاعی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده واقعیتِ تغییر مرجعیت دینی از «نهاد روحانیت و سنت» به «تشخیص فردی و عقلانیت انتقادی» در میان شهروندان (به‌ویژه در کلان‌شهر تهران) است.

در نهایت، برآیند نظریات مطرح شده (از تفکیک ابعاد سنتی تا نظریه‌های تحول ارزشی و شخصی‌شدن دین)، منطق نظریِ سناریوپردازی در این پژوهش را شکل می‌دهد. اگر دینداری سنتی را مبتنی بر «ثبات، انحصارگرایی و تکلیف‌مداری» تعریف کنیم، نظریه‌های تحول به ما می‌گویند که پیشران‌های اجتماعی در حال هل دادن جامعه به سمت قطبِ «سیالیت، کثرت‌گرایی و معناگرایی» هستند. بنابراین، آینده‌پژوهی دینداری در شهر تهران، در واقع رصد کردنِ تقابل و تعامل میان این دو نیروی نظری است: نیروی بازتولیدکننده سنت (ساختار) و نیروی تغییردهنده نوگفتمان (عاملیت). چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس رصدِ تغییر وزنِ این دو نیرو در ابعاد مختلف دینداری طراحی شده است.

چارچوب مفهومی

لازم است در ابتدا تصریح شود که مفهوم‌سازی «دین و دینداری» در این مطالعه، صرفاً اختصاص به «اسلام و تدیّن اسلامی» با قرائتی بیشتر شیعی داشته است. در حقیقت، پژوهش حاضر درصدد سنجش تدیّن اسلامی در میان جمعیت مسلمانان ایرانی است و هیچ داعیه‌ای در خصوص ایرانیان غیرمسلمان ندارد. همچنین در سازماندهی نهایی چارچوب مفهومی، فقط مؤلّفه‌هایی از تدیّن اسلامی مورد توجّه قرار گرفته که قابلیت اندازه‌گیری تجربی، آن هم با ابزار پرسشنامه را داشته باشند.

همچنین سنجش دین و دینداری باید متضمن شاخصی مرکب باشد که چندوجهی بودن ذاتی این مفهوم را منعکس سازد. به سخن دیگر، مفهوم دین و دینداری، کلیتی را تشکیل می‌دهد که برای پژوهش تجربی باید به اجزای تشکیل دهنده‌اش (ابعاد، مؤلفه‌ها، و معرّف/شاخص‌ها) تجزیه شود. به همین خاطر، توصیف و سنجش دین و دینداری بر اساس انتخاب نظری و یا تجربی یک یا معدودی معرّف (مثل، اعتقاد به خداوند یا اقامهٔ نماز) موجّه نمی‌باشد، چون نمی‌تواند طبیعت چندبُعدی دین و دینداری را پوشش دهد و بخوبی آن را بازنمایی کند.

پس، از آنجا که دین و دینداری از امور و حیثیات مختلفی حکایت می‌کنند، همواره باید این تفاوت‌ها در تحقیق تجربی مدنظر قرار گیرند و مجموعه این امور به صورت مجزا، مورد وارسی و سنجش قرار گیرند. این رویه، بر سرتاسر پژوهش حاضر، غالب بوده است.

همچنین در این پژوهش، چارچوب مفهومی چندبُعدی نه تنها مبنای سنجش قرار می‌گیرد، بلکه به عنوان ابزاری تحلیلی برای شناسایی روندها نیز عمل می‌کند.

تغییر در وزن و اولویت هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌ها در بین افراد و نسل‌های مختلف، خود شاخصی از تحولات کلان‌تر در میدان دینداری است که پایه‌ای برای تحلیل آینده‌نگرانه فراهم می‌آورد.

حال، پس از تشریح مبانیِ ساختِ چارچوب مفهومی، نوبت آن است که به سازماندهی آن یا تشخیص ابعاد و مؤلفه‌های دینداری بپردازیم. در ابتدا، تکلیف خود را نسبت به تعریف مفهومی دین روشن می‌کنیم. در این راستا، با توجه به مبانی نظری پیش گفته، گریزی از تصدیق این واقعیت نیست که در تعریف پدیدهٔ مرکب و پیچیده‌ای مثل دین، کلیهٔ دین‌پژوهان مختلف در عرصه‌های

فلسفه، علوم اجتماعی و روانشناسی تنها بر سر یک موضوع اجماع کامل دارند و آن، نبودِ اجماع در تعریف دین است.

حتی گاهی اوقات این نکته توسط دانشمندان علوم اجتماعی مطرح می‌شود که تلاش برای تعریف دین، بی‌ثمر و غیرضروری می‌باشد.

در مجموع، به رغم تفاوت‌های نوعی در تعریف دین و با توجه به بیشماری تعاریف دین، مناقشه در این تعاریف را بی‌ثمر دانسته و بر اساس اهداف تحقیق تعریف مضمونی زیر را مبنای پژوهش حاضر قرار داده‌ایم:

«دین» از حیث صوری، مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که در متون مقدس مذهبی آمده؛ و از حیث مضمونی، عبارت از مجموعهٔ تعالیم و دستوراتی است که بنا به عقیدهٔ معتقدانش از جانب یک منبع قدسی و مافوق‌بشری برای انسان‌ها فرستاده شده است. از این رو، دو ویژگی اصلی دین عبارت است از منشاء ماوراءالطبیعی و تقدس گزاره‌هایی که در قالب تعالیم و دستورات دینی آمده‌اند. در این میان، تقدس نیز تابع منشاء ماوراءالطبیعی است؛ یعنی امور دینی چون به نحوی از انحاء، یا با چند واسطه، منتسب به ماوراءالطبیعه هستند، مقدس تلقی می‌شوند. پس در حقیقت، دین، ماوراءالطبیعه یا حقیقتِ غایی قدسی است- که در ادیان ابراهیمی، خداوند نامیده شده است- و بقیهٔ چیزها جنبهٔ ثانویه و تبعی دارند (استارک و فینکی ۲۰۰۰؛ جلالی‌مقدم ۱۳۷۹؛ مصباح‌یزدی ۱۳۸۱).

از سویی دیگر، چون دین برای آدمیان آمده است پس تعالیم و دستورات آن نیز متناظر با حیطه‌های وجودی انسان‌ها می‌باشد. حکماء، روانشناسان و روانشناسان اجتماعی، عموماً و با اتفاق نظر بالایی، انسان را واجد سه حیطهٔ وجودی دانسته‌اند: شناختی، عاطفی، و رفتاری (کورن‌وال و همکاران ۱۹۸۶؛ پراودفوت ۱۳۸۳؛ منتظری ۱۳۸۵) بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که دین مشتمل باشد بر مجموعه‌ای از شناخت‌ها و الگوهایی برای عاطفه (احساسات) و دستوراتی برای عمل (احکام).

در حقیقت، وقتی ادیان از آدمیان می‌خواهند که ایمان بیاورند؛ یعنی شناخت‌های ارائه شده توسط دین را باور نموده، احوال و صفات خویش را مطابق با الگوی دینی بسازند، و به احکام و دستورات دینی عمل نمایند.

با این وصف، تا اینجا، دین و دینداری با درجه‌ای از انتزاع و بر اساس سه بُعدِ اعتقادات، احساسات، و اعمال تعریف مفهومی شد و بدینوسیله، چارچوب تحلیلی اولیه‌ای برای هدایت و راهنمایی پژوهش

تجربی حاضر فراهم گردید. ولی، برای انجام پژوهش پیمایشی در خصوص دینداری، باید مفهوم‌سازی را تا تقلیل سطح انتزاع مفهومی به سطح تجربی (تعریف عملیاتی) ادامه داد.

از این‌رو، در درون ابعاد مرکزی دینداری مزبور (یعنی اعتقادات، احساسات، و اعمال) هنوز نیازمند کشف زیربُعدها یا مؤلفه‌ها هستیم .

بُعد احساسی دینداری، که در مطالعات علمی غالباً با تعبیر «تجربهٔ دینی» آمده، تجربه‌ای است که شخصِ صاحبِ تجربه، آن را دینی تلقی می‌کند (پراودفورت ۱۳۸۳) و بُعد رفتاری دینداری، معطوف به انواع کنش‌های خاصی است که از متدینین انتظار می‌رود انجام دهند و خود شامل مولفه‌هایی می‌شود و این هر دو در تعریف مفهومی دین لازم هستند .

بر اساس مبانی نظری پیش‌گفته و با هدف عملیاتی کردن مفهوم دینداری برای این پژوهش، دو گونه ایده‌آل از دینداری اسلامی شیعی در جامعه ایران امروز قابل تشخیص است که هر کدام وزن و ترکیب متفاوتی به ابعاد سه‌گانه فوق می‌دهند:

- دینداری سنتی: در این گونه، بُعد اعتقادی (اصول و فروع) و بُعد رفتاری (به ویژه مؤلفه‌های «شرعیات» و «عبادات جمعی») دارای اولویت و وزن تعیین‌کننده‌ای هستند. این الگو عمدتاً بر پایبندی به هنجارهای نهادینه‌شده، تمایز واضح دین‌دار/غیردین‌دار، و حفظ شکل ثابت مناسک استوار است.
- دینداری نوگفتمان: در این گونه، بُعد عاطفی (به ویژه مؤلفه «تجربه دینی») و ابعاد فردیِ رفتاری (مانند «اخلاقیات» و «عبادات فردی») کانون توجه است. این الگو بر تجربه شخصی و رابطهٔ مستقیم با امر قدسی، انتخاب گزینشی و تفسیر شخصی از متون و احکام، و معنابخشی درونی تأکید دارد.

این دوگونه‌بندی مفهومی، هسته چارچوب تحلیلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد و مبنای طراحی گویه‌های پرسشنامه و در نهایت، تحلیل روندهای کلان در بخش پایانی مقاله قرار خواهد گرفت.

با جمع‌بندی کلی از مباحث بالا می‌توان جدول زیر را منعکس‌کنندهٔ مفهوم‌سازی سازهٔ دینداری (البته، تا سطح مؤلفه‌ها نه معرّف/ شاخص‌ها) در تحقیق حاضر دانست: (ایسپا و طالبان ۱۳۸۸).

جدول شماره ۱. مفهوم‌سازی سازۀ دینداری

سازه	ابعاد	مؤلفه‌ها	
دینداری	اعتقادی	اصول	
		فروع	
	عاطفی	تجربۀ دینی	
		علقۀ دینی	
		هویت دینی	
	رفتاری	اخلاقیات	
		شرعیات	مثبت
			منفی
		عبادات	فردی
			جمعی

مطالعات پیشین

برای دستیابی به اهداف موردنظر در تحقیق حاضر، دیدن مطالعات مشابه و نزدیک به موضوع این مقاله، به‌ویژه آنان که توجه به کار پیمایشی داشته‌اند، بسیار راهگشاست. ازاین‌منظر، بهره‌گیری از برخی منابع پژوهشی دانشگاهی در کنار نظریات دانشمندان حوزه دین و علوم اجتماعی، برای نگارش این مقاله بسیار کاربردی بوده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج چهارم ۱۴۰۲) در حوزه‌های مختلفی به‌دست‌آمده است که از جمله می‌توان به ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی، اعتماد و سرمایۀ اجتماعی، سیاست و مشارکت سیاسی و در نهایت آنچه در این تحقیق بیشتر به کار می‌آید، حوزۀ دین‌داری ایرانیان است. این پژوهش به شیوه پیمایشی و بر اساس مصاحبه حضوری با ۱۵۸۷۸ نفر از افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن در ۳۱ استان کشور که به روش تصادفی انتخاب شده‌اند، انجام شده است. داده‌های این پیمایش به سفارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ماه آبان ۱۴۰۲ جمع‌آوری شده است.

در این پژوهش، داده‌ها و نتایج ارزشمندی در حوزۀ اعتقادات دینی، تجربیات مذهبی،

میزان ارادت به اهل‌بیت، مسائل شرعی، تلاوت قرآن، شرکت در عزاداری، زیارت، نمازخواندن، روزه گرفتن، شرکت در نماز جماعت، نذر کردن، تمایل به حج رفتن، جدایی دین از سیاست، حجاب، مواجه با بی‌حجابی خانم‌ها و نحوهٔ مواجه با جشن‌های مختلط به دست آمده است.

- داده‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از پیمایش ملی سنجش دین‌داری ایرانیان که از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در سال ۱۳۸۸ و در قالب یک مطالعهٔ پیمایشی انجام شد، بر پایهٔ نمونه‌ای شامل ۵۰۰۰ نفر از افراد ۱۸ سال به بالا در خانوارهای معمولی شهری و روستایی ساکن در ۳۰ استان کشور گردآوری شده است.

در این مطالعه دربارهٔ اصول و فروع دین، تجربه دینی، عُلقه دینی، هویت دینی، اخلاقیات، شرعیات، عبادات فردی و عبادات جمعی سؤال پرسیده و در مجموع تحولات دین‌داری ایرانیان در این موضوعات را سنجیده است.

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۷) در کتاب «توسعه و تضاد» با رویکردی آینده‌نگر به تحلیل رابطه توسعه نیافتگی و برخی تضادهای فرهنگی از جمله در حوزه دینداری پرداخته و هشدارهایی درباره شکاف بین نهاد رسمی دین و تجربه دینی مردم ارائه داده است.
- ذکایی و سلیمانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «فردی‌شدن دینداری در میان جوانان تهرانی» با روش کیفی، به استخراج الگوهای نوین معناسازی دینی پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه عناصر گفتمان سنتی در قالب‌های شخصی و انتخابی بازسازی می‌شوند. این الگوی تحلیلی که بر انتخاب عقلانی تأکید دارد، چارچوب مفیدی برای پیش‌بینی تحولات آینده در میدان رقابت بین انواع دینداری در ایران ارائه می‌دهد.
- میرسندرسی، محمد، ۱۳۸۴، در پایان‌نامه میزان و انواع دینداری دانشجویان، طی یک تحقیق تجربی کوشیده است تا انواع دینداری در بین دانشجویان را مورد مطالعه قرار دهد. مهمترین نتایج تجربی تحقیق عبارتند از: متغیرهای تعلق به نظام سیاسی و مراجعه به مراکز مذهبی بیشترین رابطه معنادار مثبت را با تمام انواع دینداری دارند، میزان ارتباط با رسانه‌های جهانی با دینداری‌های مبتنی بر ابعاد اصلی دین رابطه منفی دارد. میزان حضور در دانشگاه تنها با دینداری با واسطه و میزان پیروی از روحانیت رابطه منفی دارد. در بین

متغیرهای فردی در جنسیت، نشان دهنده تفاوت معنادار دینداری زنان، و بالاتر بودن میزان دینداری آن‌ها نسبت به مردان است و میزان تحصیلات والدین هم در مواردی رابطه معناداری با برخی از انواع دینداری دارد.

در مجموع این تحقیق نشان داده است که نظام سیاسی بیشترین تاثیر را بر شکل‌گیری تمایز میان انواع دینداری‌ها، در بین دانشجویان داشته است و با توجه به پایین بودن شاخص‌های تعلق دانشجویان به نظام سیاسی، آن‌ها در مسیر تمایز با دینداری‌های مورد نظر نظام سیاسی گام برمی‌دارند.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مطالعه، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای، نظری و توصیفی به همراه اجرای یک پیمایش در سطح شهر تهران است. بهره‌گیری از روش پیمایشی از پُرکاربردترین روش‌ها در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و سیاسی است. در این روش که با دو هدف توصیف و تبیین قابل انجام است، تلاش می‌شود تا با بررسی نمونه‌ای معرف از یک جمعیت تحقیق، تصویری از وضعیت و روابط بین متغیرها در کل جمعیت تحقیق حاصل گردد. این تحقیق علاوه بر اهداف توصیفی-تبیینی، با رویکرد آینده‌پژوهانه، از داده‌های پیمایش حاضر به عنوان «شناساگر روند» (Trend Indicator) برای تحلیل امکان گسترش، تثبیت یا تغییر الگوهای کنونی دینداری در آینده کلان‌شهرهای ایران و تعمیم نسبی آن به کل کشور بهره می‌برد.

برای گردآوری اطلاعات مورد نظر به منظور دستیابی به اهداف تحقیق از «پرسشنامه» استفاده شده است. پرسشنامه مورد نظر پس از طراحی اولیه، مورد آزمون مقدماتی آلفای کرونباخ قرار گرفته و پس از اعمال اصلاحات لازم، پرسشنامه نهایی تهیه گردید. هر کدام از افراد معمولی ساکن در شهر تهران که در زمان اجرای طرح، سن آن‌ها بالای ۱۸ سال است، واحد آماری این طرح را تشکیل می‌دهند. در زمینه جمعیت تحقیق و واحد آماری، با توجه به جنبه‌های فنی و اجرایی طرح، افراد خارج از دین اسلام از شمول این طرح مستثنی شده‌اند.

این طرح طی بازه زمانی آبان و آذر سال ۱۴۰۳ توسط شخص پژوهشگر انجام شده و با توجه به عوامل مختلف، از جمله امکانات و هزینه، تصمیم گرفته شد نمونه‌ای با اندازه ۴۰۵ نفر از بین افراد مورد بررسی قرار گیرند. اگر اندازه نمونه مذکور را با فرمول مربوط به روش نمونه‌گیری

تصادفی ساده، محاسبه کنیم و با توجه به عوامل همبستگی درون خوشه‌ای آن را قدری افزایش دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که تعداد ۴۰۵ نمونه در جمعیت افراد ۱۸ سال به بالا می‌تواند نسبت ۰/۲۵ را با خطای نسبی ۰/۰۵ برآورد کند.

همچنین برای دستیابی به هدف این پیمایش، از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است. از آنجا که به دلیل اندازه محدود نمونه، امکان توزیع کافی آن در همه شهرها و استان‌ها وجود نداشت و از طرفی با توجه به اینکه هدف تحقیق پیدا کردن یک برآورد ملی برای بعضی از شاخص‌های دینی بوده است، لذا تلاش شد که با حفظ نمایایی (معرف بودن) نمونه، شیوه انتخاب مناطق شهری (در تهران) مورد مطالعه به گونه‌ای باشد که ابتدا مناطق از حیث متغیرهای توسعه اقتصادی و انسانی (یافته‌های مقاله سطح‌بندی مناطق کلان شهر تهران از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار، که با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای، مناطق شهر تهران را به دسته‌های توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، توسعه متوسط، کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم‌بندی می‌کند) خوشه‌بندی شده و سپس در هر کدام از خوشه‌ها (که شامل مناطق همگن از حیث متغیرهای بالاست) با توجه به عواملی نظیر توسعه‌یافتگی، مذهب، جمعیت و وضعیت اقتصادی یک یا چند منطقه انتخاب گردد. در این صورت مطمئن خواهیم بود که نمونه گرفته شده تا حدود بسیار زیادی همه تنوع‌های موجود در جمعیت تحقیق از حیث شاخص‌های مورد نظر را پوشش می‌دهد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در نهایت، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از تخصص و دانش علمی پژوهشگر انجام گردید که در اینجا داده‌های جمع‌آوری شده بر حسب مقتضیات پژوهش، با استفاده از آمارهای توصیفی از جمله توزیع فراوانی نسبی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و آمارهای کای دو و کرامر و نیز آمارهای استنباطی (مانند تحلیل رگرسیون) تحلیل شد تا در پایان، گزارش پژوهشی طرح که شامل یافته‌ها و نتایج کاربردی است، تدوین شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

براساس داده‌های بدست آمده، ۴۹.۸ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۵۰.۲ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. همچنین ۵۷.۸ درصد پاسخ‌گویان متأهل، ۳۴ درصد مجرد، ۳.۵ درصد بدون همسر بر اثر طلاق و ۴.۷ درصد بدون همسر بر اثر فوت بوده‌اند. داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌کنندگان یعنی معادل ۳۵.۴ درصد آن‌ها دارای تحصیلات دیپلم، سپس ۲۶.۷ درصد آن‌ها کارشناسی، ۱۵.۶ درصد سیکل، ۱۱.۹ دارای کارشناسی‌ارشد و مابقی دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. همچنین بیشتر شرکت‌کنندگان با ۲۲.۸ درصد خانه‌دار، ۱۵.۱ درصد کارمند بخش خصوصی، ۱۲.۴ درصد بازنشسته و مستمری‌بگیر، ۲۷.۵ درصد سایر و مابقی در وضعیت‌های جویای کار، محصل و کارمند دولتی بوده‌اند.

دیگر داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد، بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۳۸.۹ درصد در میان گروه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال یعنی جوانی قرار داشته، سپس ۳۷.۶ در گروه سنی ۳۵-۵۱، و ۱۷.۸ درصد نیز در گروه سنی ۵۲ تا ۶۸ سال قرار داشته‌اند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۴۰ تا ۴۱ سال بوده و انحراف معیار از این سن در طیف ۱۵.۷ قرار دارد.

داده‌ها نشان می‌دهد که ۳۹.۵ درصد از پاسخ‌گویان درآمدی میان ۸ تا ۱۵ میلیون تومان، ۲۶.۴ درصد درآمدی میان ۱۶ تا ۲۳ میلیون، ۳۰.۴ درصد درآمدی میان ۲۴ تا ۳۵ میلیون دارند و تنها ۳.۷ درصد درآمد پایین‌تر از ۷ میلیون تومان داشته‌اند. تعداد اعضای خانواده ۵۳.۵ درصد پاسخ‌گویان یک تا ۳ نفر، ۴۶ درصد آن‌ها ۴ تا ۶ نفر و تنها ۰.۵ درصد آن‌ها ۷ نفر به بالا بوده‌اند.

وضعیت اعتقادات دینی به تفکیک هر کدام از گویه‌ها در میان پاسخ‌گویان این تحقیق در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۲. وضعیت پاسخ‌گویان در موضوع اعتقادات دینی

جملات	اعتقاد دارم (درصد)	شک دارم (درصد)	اعتقاد ندارم (درصد)	نمی‌دانم (درصد)
خداوند واقعاً وجود دارد.	۹۳.۵	۱.۸	۴.۷	۴.۷
حضرت محمد (ص) پیامبر الهی بوده است.	۷۴.۶	۷.۳	۱۸.۱	۱۲.۴

زندگی پس از مرگ یا معاد حقیقت دارد.	۶۸.۵	۱۰.۸	۲۰.۷	۱۲.۹
قرآن، کلام خداوند است.	۷۲.۷	۱۲.۳	۱۵.۰	۷.۷

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین پاسخ‌گویان یعنی ۹۳.۵ درصد به وجود خداوند، ۷۴.۶ درصد به پیامبر بودن حضرت محمد(ص)، ۶۸.۵ درصد به معاد و ۷۲.۷ درصد به قرآن به عنوان کلام خداوند اعتقاد داشته‌اند.

وضعیت اعتقاد به تجربه دینی در دینداری افراد، بنابر گفته‌های پاسخ‌گویان در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول شماره ۳. وضعیت پاسخ‌گویان در تجربه دینی

جملات	اصلاً	خیلی کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
تا چه حد وجود خداوند را در زندگی روزمره‌تان احساس می‌کنید؟	۴.۲	۴.۰	۱۲.۹	۲۲.۱	۵۶.۸
معمولاً چقدر از خدا می‌خواهید که در زندگی به شما کمک کند؟	۵.۰	--	۱۳.۶	۲۵.۸	۵۵.۶
کلاً، خود را تا چه حد به خدا، نزدیک احساس می‌کنید؟	۶.۷	۹.۴	۲۷.۵	۲۷.۳	۲۹.۰
آیا تا به حال شده که بعد از انجام گناه، احساس ترس از خداوند به شما دست داده باشد؟	۱۶.۹	۸.۷	۱۵.۹	۱۹.۹	۳۸.۷
در انجام امور مهم زندگی، چقدر به خدا توکل می‌کنید؟	۶.۰	۵.۰	۱۰.۷	۳۲.۸	۴۵.۵

نظر پاسخ‌گویان نسبت به میزان عمل به مسائل شرعی در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۴. وضعیت پاسخ‌گویان در خصوص عمل به مسائل شرعی

جملات	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف
به آهنگ‌هایی که خوشم بیاید گوش می‌دهم، فرقی نمی‌کند که خواننده‌اش مرد باشد یا زن.	۵۲.۹	۳۴.۵	۶.۰	۳.۲	۳.۵
بر سر سفره‌ای که مشروب می‌خورند، نباید نشست.	۲۴.۶	۱۲.۲	۱۷.۴	۲۳.۶	۲۲.۳
حجاب زن باید به نحوی باشد که موهایش اصلاً معلوم نباشد.	۹.۷	۸.۴	۱۶.۶	۳۲.۳	۳۳.۰
ابایی (ترس) از دست دادن با مردان/زنان بیگانه ندارم.	۳۲.۵	۱۷.۶	۷.۴	۱۷.۴	۲۵.۱
پاسوربازی کردن شرطی، اشکال ندارد.	۱۶.۹	۱۵.۴	۱۷.۶	۲۱.۳	۲۸.۸
افراد آشنایی را که بفهمم نماز نمی‌خوانند، حتماً امر به معروف خواهم نمود.	۷.۲	۹.۷	۷.۹	۱۸.۱	۵۷.۱
هرگز در مجالس رقص و آواز شرکت نمی‌کنم.	۶.۰	۱.۵	۵.۷	۲۱.۳	۶۵.۵

جملات	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف
اگر در ماه رمضان ببینم که فردی در ملاء عام روزه‌خواری می‌کند، حتماً به او اعتراض خواهم کرد.	۵.۲	۶.۷	۵.۷	۱۵.۴	۶۷.۰

نظر پاسخ‌گویان در خصوص انجام مناسک دینی در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۵. وضعیت پاسخ‌گویان در خصوص انجام مناسک دینی

جملات	اصلاً	خیلی کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
آیا معمولاً سعی می‌کنید که نمازهایتان را اول وقت بخوانید؟	۴۵.۲	۱۶.۱	۱۳.۴	۱۳.۹	۱۱.۴
در ماه رمضان گذشته بجز روزهایی که روزه بر شما واجب نبود (عذر شرعی)، چقدر روزه گرفتید؟	۵۵.۶	۸.۷	۶.۲	۸.۹	۲۰.۶
آیا زکات فطره را پرداخت می‌کنید؟	۳۷.۷	۲.۲	۵.۲	۵.۲	۴۹.۶
در صورت داشتن درآمد مازاد بر نیاز، آیا خمس آن را پرداخت می‌نمایید؟	۴۸.۸	۴.۵	۸.۷	۸.۲	۲۹.۹
شما معمولا در دهه اول محرم چقدر در مراسم‌های عزاداری شرکت می‌کنید؟	۳۰.۴	۹.۷	۱۵.۱	۱۳.۹	۳۰.۹
شما معمولاً چقدر به زیارت اماکن مقدسه می‌روید؟	۲۵.۷	۲۵.۰	۲۷.۷	۱۰.۴	۱۱.۱
در مواقعی که نیاز می‌شود، چقدر نماز آیات می‌خوانید؟	۵۶.۷	۱۵.۶	۱۲.۶	۴.۲	۱۰.۹

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که توجه به مناسک دینی بیشتر در وضعیت اصلاً در میان این پاسخ‌گویان بوده است.

اکنون وضعیت پاسخ‌گویان نسبت به میزان و انواع دینداری آن‌ها (در اینجا دو نوع کلی از دینداری شامل دینداری سنتی و دینداری نوگفتمان که استفاده از تجربه شخصی افراد در آن نقش پررنگی دارد) مورد توصیف قرار خواهند گرفت.

در جدول زیر وضعیت میزان دینداری پاسخ‌گویان براساس اعتقادات دینی، تجربه دینی، مناسک دینی و مسائل شرعی بر اساس معیار نمره ۱۰۰، سنجیده شده و در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۶. وضعیت میزان دینداری پاسخ‌گویان

وضعیت میزان دینداری	فراوانی	درصد
۲۰-۰	۴۰	۹.۹
۴۰-۲۰.۱	۸۲	۲۰.۳
۶۰-۴۰.۱	۱۰۶	۲۶.۳
۸۰-۶۰.۱	۱۲۶	۳۱.۳
۱۰۰-۸۰.۱	۴۹	۱۲.۲
جمع	۴۰۳	۱۰۰.۰
میانگین	۵۳.۳۱۸۴	
انحراف معیار	۲۲.۹۶۵۶۶	
کمترین	۰۰.	
بیشترین	۹۷.۰۸	

داده‌های جدول فوق نشـــان می‌دهد که ۹.۹ درصـــد در میزان دینداری ۰ تا ۲۰، همچنین ۲۰.۳ درصـد در فاصـله ۲۰.۱ تا ۴۰، سـپس ۲۶.۳ درصـد در فاصـله ۴۰.۱ تا ۶۰، در ادامه ۳۱.۳ درصـد در فاصـله ۶۰.۱ تا ۸۰ و در نهایت ۱۲.۲ درصـد از پاسـخ‌گویان میزان دینداری‌شـان در فاصـله ۸۰.۱ تا ۱۰۰ قرار داشته است.

یافته‌های استنباطی (بررسی فرضیه‌های تحقیق)

پیش از بررســی آمارهای بدســت آمده، ابتدا باید دید داده‌های مورد نظر به لحاظ پاســخ‌گویی نرمال است یا خیر؟ بررسی نرمال بودن وضعیت متغیرها نشان می‌دهد، میزان تغییر داده‌های متغیرها در فاصله بازه‌ای ۲ و ۲- است؛ در نتیجه توزیع این داده‌ها به صورت نرمال است.

حال به منظور بررسی نوع دینداری در دو دسته نوگفتمان و سنتی در میان پاسخ‌گویان، لازم است تا ابتدا رفتار دینی (شامل شرعیات + مناسک دینی) و تجربه دینی، هر یک به صورت مجزا مورد سنجش قرار گیرد.

وضعیت رفتار دینی در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۷. وضعیت رفتار دینی پاسخ‌گویان (شرعیات + مناسک دینی)

وضعیت رفتار دینی	فراوانی	درصد
۲۰-۰	۱۲۸	۳۱.۸
۴۰-۲۰.۱	۱۰۱	۲۵.۱
۶۰-۴۰.۱	۹۰	۲۲.۴
۸۰-۶۰.۱	۶۵	۱۶.۲
۱۰۰-۸۰.۱	۱۸	۴.۵
جمع	۴۰۲	۱۰۰.۰
میانگین	۳۶.۹۱۴۶	
انحراف معیار	۲۴.۶۸۳۵۴	
کمترین	۰۰.	
بیشترین	۱۰۰.۰۰	

جدول فوق نشان می‌دهد که رفتار دینی بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۳۱.۸ درصد در محدوده ۰ تا ۲۰، پس از آن ۲۵.۱ درصد در فاصله ۲۰.۱ تا ۴۰، سپس ۲۲.۴ در فاصله ۴۰.۱ تا ۶۰ و ۱۶.۲ درصد در فاصله ۶۰.۱ تا ۸۰ و در نهایت ۴.۵ درصد در فاصله ۸۰.۱ تا ۱۰۰ قرار دارند.

همانطور که در تعریف مفاهیم آمد، در این تحقیق کسانی که هم در بخش رفتار (جدول شماره ۷) و هم تجربه دینی (جدول شماره ۳)، نمره بالای متوسط طیف یعنی ۵۰ به بالا را گرفته‌اند، در دسته دینداری سنتی و آن‌هایی که نمره رفتار دینی را زیر نمره متوسط، و تجربه دینی را بالای نمره متوسط یعنی ۵۰ گرفته‌اند، دینداری نوگفتمانی دارند.

بر این اساس، داده‌های نوع دینداری به شکل زیر به دست آمده است:

جدول شماره ۸. نوع دینداری پاسخ‌گویان

نوع دین‌داری	فراوانی	درصد
دین‌داری سنتی	۱۱۳	۲۸.۲
دین‌داری نوگفتمان (تجربه شخصی)	۲۲۵	۵۶.۱
خارج از دسته‌بندی	۶۳	۱۵.۷
جمع	۴۰۱	۱۰۰.۰

جدول فوق می‌تواند پاسخ لازم برای پرسش مطرح شده در این پژوهش شامل: سهم گرایش به هر یک از رویکردهای دینداری سنتی و یا نوگفتمان در جامعه ایران به چه میزان است؟ را فراهم کند؛ این یافته نشان می‌دهد ۳۳.۴ درصد از پاسخ‌گویان در نوع دینداری سنتی و ۶۶.۶ درصد آن‌ها دینداری نوگفتمانی دارند. در این میان دسته‌ای بوده‌اند که در این دو گروه قرار نمی‌گرفته‌اند و به نام خارج از دسته‌بندی قرار داده شده است؛ میزان این افراد برابر با ۱۵.۷ درصد است.

در ادامه برای بررسی فرضیه تحقیق، در نتایج و یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن در مقام مقایسه و تطبیق با سایر پژوهش‌های انجام شده، دقت و توجه می‌کنیم.

این یافته‌ها نشان می‌دهد آنچه در نهایت بدست آمده در مرحله نخست و در شاخص‌های حوزه دینداری، نشانگر یک مسیر سپری شده از ایجاد تغییرات هرچند تدریجی، در فرهنگ و نوع نگرش مردم به دین با توجه بالای آحاد جامعه به بهره‌گیری از تجربه شخصی در دینداری است. این بدان معناست که در یک وضعیت معناداری، نوع دینداری آحاد جامعه از سنتی به نوگفتمانی گرایش پیدا کرده، به طوری که امروز گرایش و اعتقاد به نوع دینداری نوگفتمان در جامعه ایران تقریباً دو برابر دینداری سنتی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به آنچه در بخش مقدمه و نیز یافته‌های پژوهش اشاره گردید، سعی شد به بررسی تأثیر نوع نگاه و نگرش افراد به دین ــ که با توجه به محدودیت‌های تحقیق حاضر ــ در دو دسته کلی تقسیم‌بندی شده است، پرداخته شود. در ادامه تلاش شد با آمار، اطلاعات و داده‌های بدست آمده، به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای تحقیق پاسخ داده شود.

پرسش اول درباره سهم گرایش به هر کدام از انواع دینداری در جامعه کنونی ایران، در بخش پیشین پاسخ داده شد. برای پاسخ به سوال دوم نیز در ابتدا تعریف دین و انوع دینداری در جامعه امروز ایران به‌طور اجمالی بررسی شد. با بررسی این موارد متوجه می‌شویم که تغییرات و تحولات عمده‌ای در نوع نگرش مردم به ویژه نسل جوان به دین و دینداری بوجود آمده (به طور مشخص به نظر می‌رسد از سال ۱۴۰۰ به بعد این تحولات شتاب بیشتری به خود گرفته‌اند) و قاعدتاً این تغییر نگاه، اثرات خود را بر سایر مولفه‌ها در ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز باقی خواهند گذاشت.

آنچه که در نهایت در این تحقیق به عنوان بخش حائز اهمیت مورد توجه قرار گرفته و نتایج قابل توجهی نیز دربر داشته، نخست اثبات وجود انواع نگرش به مقوله دین در جامعه است؛ که اگرچه در بین نسل‌های جوان مشهود و قابل مشاهده‌تر است، اما در تمامی نسل‌ها از نوجوان تا میان‌سالان و کهن‌سالان نیز به میزانی دیده می‌شود و این حاکی از آن است که تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به همراه نقش مهم رسانه‌ها و به ویژه پدیده عصر شبکه‌های اجتماعی در جامعه، اثرات متقابل خود را برجای گذاشته‌اند که در بخش‌های مهم مورد سوال به صورت خلاصه اینچنین شرح داده می‌شود.

اعتقادات دینی: باورهای پایه‌ای (خدا، پیامبر، معاد، قرآن) همچنان قوی ولی با روند کاهشی آرام و پیوسته مواجه است. این کاهش تدریجی اغلب نادیده گرفته می‌شود.

تجربه دینی: برخلاف اعتقادات، روندی رو به رشد دارد. احساس شخصی نزدیکی به خدا، توکل و درخواست کمک از او در زندگی روزمره، بسیار پررنگ و زنده است.

رعایت مسائل شرعی: روندی نزولی و آشکار دارد، به ویژه در نسل جوان. افراد کمتر به فتواهای مشخص فقهی در مورد موسیقی، ارتباطات زن و مرد و... پایبند هستند.

انجام مناسک دینی: مشارکت در مناسک فردی و جمعی (به غیر از موارد خاصی مثل عزاداری محرم) به طور محسوسی کاهش یافته و اغلب تحت فشار سنت یا خانواده انجام می‌شود.

کلیت میزان دینداری: میانگین نمره دینداری (ترکیب همه شاخص‌ها) حدود ۴۶ از ۱۰۰ است که برای جامعه‌ای با هویت اسلامی عددی تعجب‌برانگیز و پایین تلقی می‌شود. اکثر مردم در سطح متوسطی از دینداری قرار دارند.

کلیت نوع دینداری: در نمونه تهران، گرایش به «دینداری نوگفتمان» (تجربه‌محور) حدود دو برابر گرایش به «دینداری سنتی» (شریعت‌محور) است. این روند از کلان‌شهرها به سایر نقاط در حال گسترش است.

در مجموع جامعه ایران در حال گذار از یک دینداری نهادی، جمعی و شریعت‌محور به سمت یک دینداری فردی، درونی و تجربه‌محور است. این تغییر در بُعد رفتاری (مناسک و شریعت) سریع و آشکار، ولی در بُعد اعتقادات پایه کُند و پنهان، و در بُعد تجربه شخصی در حال رشد است. این تحول به ایجاد یک دوگانگی گسترده در فضای دینداری ایرانی منجر شده است.

چشم‌انداز آینده

یافته‌های این پژوهش در شهر تهران، چند روند کلیدی را در حال شکل‌گیری نشان می‌دهد که می‌توانند به عنوان نیروهای محرک تحولات آینده دینداری در ایران عمل کنند:

روند فردی‌شدن و درونی‌سازی دین

افزایش معنادار گرایش به «دینداری نوگفتمان» یا تجربه شخصی‌شده دین (جدول ۸) که در آن رابطه مستقیم و عاطفی فرد با خدا محور است (جدول ۳)، نشان‌دهنده روندی عمیق به سوی فردی‌شدن معنویت است. این یافته با نظریه «دین نامرئی» لاکمن (۱۹۶۷) و نیز یافته‌های پژوهش‌های داخلی مانند ذکایی و سلیمانی (۱۳۹۹) هم‌سو است.

در این روند، دین بیش از آنکه یک نهاد هویت‌ساز جمعی باشد، به منبعی برای معنابخشی شخصی تبدیل می‌شود.

روند افول التزام به شریعت و مناسک جمعی

کاهش قابل ملاحظه پایبندی به احکام شرعی (جدول ۴) و مناسک دینی (جدول ۵)، به ویژه در نسل جوان، روند دیگری است که تداوم آن می‌تواند به تضعیف نظام نمادین و انسجام‌بخش دین به عنوان یک نهاد اجتماعی منجر شود. این موضوع نه تنها یک تغییر رفتاری، بلکه نشان‌دهنده تغییر در «ساختار سلیقه» دینی (بوردیو ۱۹۷۹) و اولویت‌بندی مجدد مؤلفه‌های دینی است.

روند دوگانگی و شکاف گفتمانی

شکاف حدوداً دو برابری بین دینداری نوگفتمان و سنتی (جدول ۸)، تنها یک آمار نیست، بلکه نشان‌دهنده شکل‌گیری دو گفتمان موازی و گاه رقابتی در میدان دین ایران است. این دوگانگی می‌تواند در آینده به بروز تنش‌های هویتی، تعارض در عرصه عمومی و چالش برای سیاست‌گذاری مذهبی بینجامد.

سناریوهای محتمل برای آینده دینداری در ایران

با در نظر گرفتن روندهای فوق و نیروهای محرک کلان (نظیر تحولات فناوری ارتباطات، فشارهای اقتصادی، و تعاملات بین‌المللی)، می‌توان چند سناریوی محتمل را برای افق ۱۴۱۵-۱۴۲۰ ترسیم کرد:

سناریوی نخست (تداوم روند فعلی – قطبی‌شدن):

در صورت عدم تغییر در سیاست‌ها و رویکردهای تبلیغی نهادهای رسمی دین، روند فردی‌شدن و افول مناسک جمعی ادامه یافته و شکاف بین گفتمان سنتی (عمدتاً متکی به نهادها) و گفتمان نو (عمدتاً متکی به انتخاب فردی) عمیق‌تر می‌شود. نتیجه ممکن است ظهور یک «دوگانگی پایدار» باشد که در آن دین رسمی در انحصار قشری خاص باقی مانده و اکثریت جامعه در فضایی سیال‌تر و شخصی‌تر به دینداری می‌پردازند.

سناریوی دوم (تنش و چالش‌های فزاینده):

در صورتی که نهادهای رسمی در برابر روند فردی‌شدن و کاهش التزام به شریعت، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در پیش گرفته و بخواهند با قوانین و فشار اجتماعی آن را معکوس کنند، احتمال افزایش تنش بین شهروندان (به ویژه نسل جوان) و نهادهای نظارتی بالا می‌رود. این سناریو می‌تواند به «شکلی از سکولاریزاسیون منفی» و افزایش احساس دین‌گریزی بیانجامد.

سناریوی سوم (تطبیق و بازسازی نهادی):

در صورت هوشمندی نهادهای دینی و سیاست‌گذاران فرهنگی، امکان بازتعریف و تطبیق گفتمان رسمی دین با نیازهای معنوی نوین وجود دارد. در این سناریو، نهادها می‌توانند با تمرکز بر جنبه‌های عرفانی، اخلاقی و معنابخش دین (که در یافته‌های تحقیق نیز پررنگ هستند) و کاهش تأکید انحصاری بر ظواهر و شریعت‌گرایی سخت‌گیرانه، پل ارتباطی با دینداری نوگفتمان ایجاد کنند. نتیجه می‌تواند «نوگرایی دینی درون‌زا» و شکل‌گیری الگویی ترکیبی باشد.

پیشنهادات سیاستی

با توجه به روندهای شناسایی‌شده و سناریوهای محتمل آینده، پیشنهادهای سیاستی زیر با هدف مدیریت هوشمندانه تحولات دینداری و حرکت به سمت سناریوی تطبیق و بازسازی نهادی ارائه می‌شود:

- گذار از تبلیغات انبوه به دیالوگ و گفت‌وگوی انتقادی: نهادهای دینی باید فضای امنی برای گفت‌وگوی صریح و انتقادی بین نسل‌ها، و بین عالمان دینی و جامعه به ویژه جوانان ایجاد کنند. به رسمیت شناختن «سؤالات مشروع» و «تجربیات دینی متفاوت» به جای تکیه بر خطابه‌های یک‌سویه، گام اول برای اعتمادسازی و اثرگذاری پایدار است. این دیالوگ می‌تواند در قالب کرسی‌های آزاداندیشی، شبکه‌های اجتماعی تعاملی نهادهای مذهبی و انتشار محتواهایی که به پرسش‌های روز پاسخ می‌دهد، صورت پذیرد.
- بازنگری در آموزش دینی رسمی و غیررسمی با تأکید بر معنا، اخلاق و عرفان: با توجه به روند فردی‌شدن و جست‌وجوی معنای شخصی، نظام‌های آموزشی باید از تأکید صرف بر حافظه‌محوری و احکام فقهی به سمت پرورش سواد دینی انتقادی، تفکر اخلاقی و درک مفاهیم عرفانی و معنابخش دین حرکت کنند. تولید محتوای آموزشی که نشان دهد دینداری چگونه می‌تواند به پرسش‌های وجودی نسل جدید پاسخ دهد، ضروری است.
- تنوع‌بخشی به الگوهای نقش دینداری: تبلیغ و معرفی الگوهای دینداری موفق که صرفاً محدود به روحانیت سنتی یا چهره‌های حوزوی نباشند، بلکه شامل روشنفکران دینی، هنرمندان متدین، ورزشکاران مؤمن و فعالان اجتماعی دیندار با سبک زندگی معاصر نیز بشود. این تنوع، نشان می‌دهد دینداری با زندگی مدرن و انتخاب‌های فردی ناسازگار نیست.
- تفکیک بین «امر دینی» و «امر حاکمیتی» در عرصه عمومی: برای کاهش تنش‌های ناشی از دوگانگی گفتمانی، لازم است در عمل و ادبیات رسمی، بین احکام فقهی فردی (که تابع انتخاب و اعتقاد شخص است) و قوانین مدنی عام (که باید تابع اجماع اجتماعی و رعایت حقوق همه شهروندان باشد) تمایز قائل شد. این تفکیک به کاهش احساس اجبار و تهی شدن عرصه عمومی از معنویت شخصی کمک می‌کند.

- حمایت از پژوهش‌های آینده‌پژوهانه و پایش مستمر: سیاست‌گذاری در این حوزه باید مبتنی بر شناخت پویا و داده‌های به‌روز باشد. ایجاد «دیده‌بان تحولات دینداری» متشکل از دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی برای پایش ادواری شاخص‌ها و شناسایی روندهای نوظهور، امری ضروری است. این نهاد می‌تواند گزارش‌های دورهای به سیاست‌گذاران ارائه دهد.
- تجدید سیاست‌گذاری در تخصیص بودجه نهادهای دینی و مذهبی: وقتی درباره افول و کاهش علاقه به دینداری در کشور صحبت می‌کنیم، باید به صورت همزمان بر ضرورت تخصیص هدفمند و با ارائه گزارش میزان اثرگذاری فعالیت‌های ذیل عنوان نهادهای دینی و مذهبی کشور نیز تأکید شود.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی و با صرف هزاران میلیارد تومان بودجه در سال برای اداره و فعالیت برنامه‌محور نهادهای فراوان دینی و مذهبی در کشور، اما عملکرد و اثرگذاری آنان هرگز مورد توجه جدی نبوده و برخی از این نهادها حتی خود را موظف به ارائه گزارش عملکرد شفاف از نوع و شیوه هزینه‌کرد بودجه‌های دریافتی هم نمی‌دانند. در این وضعیت البته برخی کارشناسان که عمدتاً خود از حقوق‌بگیران همین نهادهای دینی هم هستند، بر این باورند که درست است روند رو به افول دینداری به ویژه بین نسل‌های نوجوان یا Z و جوانان به صورت محسوسی قابل مشاهده است، اما اگر همین فعالیت فعلی نهادهای مرجع تبلیغات حوزه دین هم نبود، دین‌گریزی با شدت بسیار بیشتری ادامه می‌یافت و ما سال‌ها پیش شاهد وضعیت امروز جامعه ایران می‌بودیم.

اما در دیگر سو برخی کارشناسان مستقل و عمدتاً منتقد وضع موجود نیز بر این باورند که اتفاقاً نوع عملکرد و برخورد و برخی رفتارهای سخت‌گیرانه و سلیقه‌ای در نهادهای تبلیغ دین، خود باعث شدت بیشتر افول وضعیت دینداری در کشور می‌شود و اگر این نهادها عملاً کاری انجام ندهند، خود باعث می‌شود که خانواده‌ها بیشتر برای فرزندان خود در حوزه دینداری تلاش کنند و در نتیجه وضعیت بهتری را شاهد خواهیم بود.

در هر صورت و با همه این اختلاف سلایق و نظرات، آنچه در عمل به نظر می‌رسد آن است که در شرایط فعلی کشور امکان حذف بودجه نهادهای دینی در عمل بدلایل مختلف ممکن نیست و هیچ دولتی این شرایط و توان را ندارد که حتی برخی بودجه‌ها را محدود نماید. بنابراین تنها راهکار آن است که نظارت بر حُسن اجرای برنامه‌های موثر، مطابق با سلیقه و انتظار مخاطبان که

همان آحاد جامعه هستند، بیشتر شود و در نهایت با ارائه گزارش عملکرد دقیق و شفاف، از حیف و میل اموال عمومی به نام کار دینی و مذهبی جلوگیری شود. شاید از این منظر اثرگذاری برنامه‌های اجرا شده در سطح کشور نیز بیشتر گردد.

- نگاه به قرآن به عنوان اصل در حوزه‌ها و بالای منابر: در گزارش‌ها و پیمایش‌ها آمده است که مردم در نگاه و توجه به برنامه‌های دینی، قرآن‌محوری را جزو مشترکات و عقاید اصلی خود قبول دارند و این خود باید مورد توجه برنامه‌گذاران هم باشد. هم از حیث وحدت بین مذاهب، چرا که قرآن نسخه واحد بین همه مسلمانان است و هم از نظر علاقه‌مندی به آشنایی با مفاهیم آیات الهی که به عنوان یک سنت و فریضه و در نهایت ثواب بین مردم مهم است.

از این منظر پیشنهاد می‌شود به جای برخی برنامه‌های خالی از محتوا و یا تکیه بر روایات مشکوک با سند ضعیف و اختلاف‌افکن میان طرفداران مذاهب و اقوام مختلف، از قرآن کریم به عنوان منبع بی‌پایان آموزش مفاهیم دینی در منابر و کلاس‌های آموزشی بهره برده شود.

فهرست منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی نسلی در ایران. تهران: علم.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۸). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.

باقری، شهلا (۱۳۹۵). تحولات گفتمان دینی در ایران معاصر. تهران: نشر نی.

بلی، پیتر (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی در عمل. ترجمه محسن محمودی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

پراودفوت، وین (۱۳۸۳) تجربهٔ دینی، عباس یزدانی، چاپ دوم، انتشارات طه.

جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹) درآمدی به جامعه‌شناسی دین، نشر مرکز.

دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۲). موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ذکایی، محمدسعید و سلیمانی، سیما (۱۳۹۹). فردی‌شدن دینداری در میان جوانان تهرانی: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌نامه جامعه‌شناسی، ۱۰(۲)، ۱۵۰-۱۲۵.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۷). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.

زارعی، بهرام؛ فلاحی، محمد و حکیمی، رضا (۱۴۰۰). سناریونویسی برای آینده تحولات اجتماعی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴). چالش‌های دین و مدرنیته: تحلیل جامعه‌شناختی دینداری در ایران. تهران: طرح نو.

سروش، عبدالکریم (۱۳۵۹) علم و ایمان، نشر مطهری.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸) «بسط بسط تجربهٔ نبوی»، مجلهٔ کیان ، شماره ۴۷.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۴) بررسی‌های اسلامی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی قم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲) خلاصهٔ تعالیم اسلام، انتشارات کعبه.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳) تفسیر المیزان،۲۰ جلدی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

عباسی، بابک (۱۳۷۶) «اقبال و مفهوم تجربهٔ دینی»، مجلهٔ کیان، شماره ۳۶.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸). ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلقیات ایرانی. تهران: نی.

کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۷). باورهای غلط: تجربه دینداری در ایران پس از انقلاب. تهران: طرح نو .

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

لاکمن، توماس (۱۳۸۸). دین نامرئی: مسأله دین در جامعه مدرن. ترجمه مرضیه موسوی. تهران: نشر ثالث.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) و طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸). پیمایش ملی سنجش دینداری ایرانیان. تهران: جهاد دانشگاهی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۷۷- ۱۳۷۶) «معرفت دینی»، کتاب نقد، شماره ۶ — ۵.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱) آموزش عقاید، چاپ هفتم، سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۹) آشنایی با علوم اسلامی: کلام و عرفان؛ انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) فطرت؛ انتشارات صدرا.

میرسندرسی، محمد (۱۳۸۴) پایان‌نامه میزان و انواع دینداری دانشجویان، راهنما: علی‌محمد حاضر، مشاور: تقی‌زاده و سراج‌زاده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی.

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵) اسلام دین فطرت، چاپ دوم، نشر سایه.

نراقی، احمد (۱۳۷۸) رسالهٔ دین شناخت، طرح نو.

Berger, Peter L. (1967). The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion. Doubleday.

Bourdieu, Pierre (1979). Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Harvard University Press.

Cornwall, Marie, Stan Albrecht, Perry Cunningham, and Brian Pitcher (1986) "The Dimensions of Religiosity: A Conceptual Model with an Empirical Test" Review of Religious Research, 27 (3) 226-44.
Luckmann, Thomas (1967). The Invisible Religion: The Problem of Religion in Modern Society. Macmillan.
Stark, Rodney & Roger Finke (2000) Acts of Faith, University of California Press.